



## ملاحظات پیرامون معضل بیکاری

با تأکید بر موضوع عدم اشتغال دانش‌آموختگان در کشور

● محمدولی کیانمهر\*

اشاره:

امروزه یکی از مهمترین مسائل جامعه ما که ذهنیت اکثر خانواده‌ها را به خود مشغول ساخته است، مسأله بیکاری و بویژه بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌باشد. به طوری که روز به روز جنبه حادتری به خود می‌گیرد. اشتغال فارغ‌التحصیلان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی در کشورهای مختلف بوده است. در میان مسائل گوناگونی که برنامه‌ریزان آموزشی با آن روبرو هستند، مسأله اشتغال فارغ‌التحصیلان جایگاه خاصی دارد. این توجه هم به لحاظ اهمیت بازار کار و هم به لحاظ نقش‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که به افراد فارغ‌التحصیل برای نیل به هدف‌های توسعه کشور محول می‌شود.

بحث اشتغال با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباط تنگاتنگ دارد و توجه به این موضوع در این مباحث با اهمیت جلوه می‌کند. حفظ وضعیت اشتغال کامل و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از جمله مواردی است که مبین وضعیت مطلوب اقتصادی یک کشور است. از مشخصه‌های عمده این وضعیت تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار است بنابراین شناسایی علل و عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای بازار کار می‌تواند در رسیدن به وضعیت مطلوب راهگشا باشد.

بدیهی است که هرگونه تلاش و کوشش جهت رفع مشکل بیکاری مستلزم شناخت و آگاهی دقیق و مستمر از وضعیت نرخ بیکاری در جامعه است. با توجه به این مطالب؛ در این پژوهش مختصر، که خالی از نقص نیست، سعی بر آن شده است تا علل و ریشه‌های بیکاری قشر تحصیلکرده کشور که به عنوان سرمایه‌های انسانی تلقی می‌شوند، مورد بررسی اجمالی قرار گیرد.

### اهمیت موضوع

مجموعه تحولات و تغییرات تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی و داخلی سالهای اخیر، آثار و تبعات بسیاری را در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران به جا گذاشته و مسائل و مشکلات خاصی را به وجود آورده و دامن بخشیده است که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موضوع مهم و اخیر ایجاد کار و اشتغال در جامعه اشاره

نمود. این موضوع از چنان اهمیت و حساسیتی برخوردار است که هم در طرح ساماندهی اقتصاد و هم در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکی از دغدغه‌های اصلی و محوری ذکر گردیده و هم در قانون بودجه سال ۸۲ کشور توجهات محوری خاصی برای کنترل این معضل اجتماعی و تامین و ایجاد اشتغال برای جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها

پیش‌بینی شده است. گرچه معضل بیکاری برای کلیه اقشار جمعیت فعال کشور آزاردهنده و برای اقتصاد کشور بازدارنده است. با این حال، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها از حساسیت و ضریب اهمیتی دو چندان برخوردار است. چرا که از یک طرف فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به عنوان سرمایه‌های انسانی کشور طی سالهای تحصیلی در دانشگاهها از علم، دانش و مهارت لازم برخوردار شده و با

## دیدگاه تاریخی در زمینه اشتغال و بیکاری

در مورد مسأله بیکاری و اشتغال مباحث زیادی مطرح شده است. اقتصاددانان از نگاه خود به آن نگریسته‌اند و دانشمندان منابع انسانی از بعد دیگر در مورد آن بحث کرده‌اند. با نگاهی تاریخی به این موضوع، مشاهده می‌شود که دخالت دولتها در این زمینه برای مقابله با بیکاری و جلوگیری از آثار نامطلوب و زیانهای آن از دیر زمان وجود داشته است. در این قسمت به بررسی مبانی نظری اشتغال و بیکاری می‌پردازیم.

### کلاسیک‌ها و اشتغال

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد کلاسیک، کار انسان را منشا اصلی تولید ثروت می‌داند. او در اولین جمله کتاب «تحقیق در باره ماهیت ثروت ملل» می‌نویسد: کار سالانه هر ملت مایه اصلی و اساسی است که تمام اشیا مورد نیاز و مفید را برای او تهیه می‌کند و ملت آنها را به مصرف می‌رساند و شامل محصول مستقیم کار و تمام چیزهایی است که به وسیله آن از خارج خریداری می‌شود.<sup>۱</sup>

در قرن نوزدهم نظریه کلاسیک علم اقتصاد معتقد بود که در صورت عدم دخالت کامل دولت در امور اقتصادی، تعادل اقتصادی در صورت حد اشتغال کامل به وجود می‌آید. حد اشتغال کامل، حدی است که کلیه عوامل تولید یعنی کارفرما، کارگر، سرمایه و مواد اولیه در جامعه بتواند به کار مشغول بوده و مورد استفاده واقع شوند. در مکتب کلاسیک‌ها مکانیسم تعادل برانعطاف پذیری دستمزد پولی و قیمت‌ها استوار است. که در شرایط عدم تعادل به طور خود کار به سوی تعادل حرکت می‌کند. بدین ترتیب تعادل در اقتصاد کلاسیک همواره در اشتغال کامل پایدار است. امکان پیدایش بیکاری غیرارادی در اقتصاد وجود ندارد. هرگاه بیکاری ارادی، دامنگیر اقتصاد شود، گناه آن به گردن افرادی است که از کار و فعالیت خود دست کشیده‌اند. بعد از جنگ جهانی اول و تحولاتی که به این منظور در جهان قرن بیستم پدید آمد نظریه مزبور به کلی متزلزل شد و دخالت

که نیل به اهداف سازمانی را امکان‌پذیر سازد.<sup>۱</sup>

### انواع اشتغال

**- اشتغال کامل:** به مکانیزمهایی گفته می‌شود که موجب به کارگیری تمام عوامل تولید می‌شود.

**- اشتغال ناقص:** به وضعیتی گفته می‌شود که بعضی از عوامل تولید به کار گرفته می‌شوند، که البته این امر طبیعی به نظر می‌رسد و از این رو به آن وضعیت «بیکاری طبیعی» می‌گویند.

**بیکاری:** بیکاری وضعیتی از اقتصاد است که در آن بعضی از عوامل تولید در تولیدات کالاها و خدمات به کار گرفته نشده‌اند. عوامل تولیدی که در اینجا مورد نظر است همان نیروی کار است.

**سیاست‌های اشتغال:** منظور از سیاست‌های اشتغال عبارت است از «مجموعه تدابیری که دولت برای تطابق منظم و مداوم عرضه و تقاضای کار و در جهت تخصیص مطلوب منابع انسانی و تقلیل بیکاری به حداقل ممکن اتخاذ می‌کند».

**تحصیل:** منظور از تحصیل، اشتغال به تحصیل طبق برنامه‌های رسمی آموزشی در ایران می‌باشد. بنابراین آموزش در دوره‌های آموزشی غیر رسمی (مانند آموزش زبان در آموزشگاههای خصوصی و نظایر آن) تحصیل به حساب نمی‌آید.

**مرکز آموزش عالی:** منظور از آموزش عالی، سازمانی است که از بین دارندگان دیپلم متوسطه یا بالاتر دانشجو می‌پذیرد و به فارغ التحصیلان خود مدرک کاردانی یا بالاتر می‌دهد. این سازمان ممکن است تنها شامل یک مرکز آموزش عالی مستقل مانند آموزشکده فنی و یا دانشکده باشد که از نظر سازمان اداری و آموزشی مستقل می‌باشد، و یا مجموعه‌ای از دانشکده‌ها که یک دانشگاه را تشکیل می‌دهند.

**فارغ التحصیل:** منظور از فارغ التحصیل فردی است که درس و واحدهای تحصیلی و پایان‌نامه مورد لزوم را برای اتمام یک دوره تحصیلی آموزش عالی به دست آورده و در فاصله هرماه همان سال تا شهریور ماه سال بعد فارغ التحصیل شده باشد.

اشتیاق و آمادگی بسیار داوطلب ورود و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی کشور می‌شوند و از طرف دیگر ماشین سازندگی و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی کشور به وجود فارغ التحصیلان دانشگاهها به دلیل سرمایه گذاریهای انجام گرفته به میزان و شدت بیشتری نیازمند است. در عین حال فارغ التحصیلان بیکار به دلیل باسوادی و آگاهی بیشتر اعتراض و عکس العمل بیشتری را می‌توانند در جامعه بوجود آورند.

با در نظر گرفتن مجموعه ملاحظات و حساسیتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلاشهای گسترده‌ای برای کنترل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال در جامعه صورت می‌گیرد که در پایان برنامه دوم توسعه و در آغاز سومین برنامه توسعه کشور به طور کامل موثر و کارساز نبوده و نرخ بیکاری از حدود ۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۵ درصد در سال ۸۰ افزایش یافته است و در نتیجه انجام مطالعات لازم و ارائه راهکارهای نوین و کارآمد برای مقابله با بحران بیکاری و به خصوص ایجاد کار و اشتغال برای فارغ التحصیلان دانشگاهها که مهمترین سرمایه‌های انسانی کشور هستند و ارتقای بهره‌وری ملی منوط به مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی است.

### تعاریف و مفاهیم

**تعریف اشتغال:** در مورد اشتغال تعاریف متعددی ارائه شده و از دیدگاههای مختلف (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی) تعریف شده است، اما همه آنها به مفهوم «به کارگیری نیروهای متخصص و کار آمد در مشاغل تخصصی و انطباق متخصصین با پست‌های تخصصی مورد لزوم سازمانی و اجتماعی» اشاره دارند.

اشتغال در یک جمله به معنای «به کارگیری عوامل تولید یا به کارگیری ظرفیت‌های تولیدی موجود» می‌باشد. تعریف دیگری که دانشمندان مدیریت از دیدگاه مدیریتی برای اشتغال ارائه داده‌اند عبارتست از: به کارگیری منطقی نیروهای متخصص و کارآمد در مشاغل تخصصی و تطبیق آنها با پست‌های تخصصی به نحوی

دولت در امور اقتصادی امری ضروری به نظر آمد.

### کینز و مسأله اشتغال

در سال ۱۹۳۶ «جان مینارد کینز» کتابی تحت عنوان «نظریه عمومی اشتغال و بهره پول» منتشر کرد. عمده کلام کینز این است که اقتصاد سرمایه داری کنونی با کمبود میزان تقاضای مؤثر مواجه است، زیرا هزینه‌های مصرفی برای جذب تمامی تولید کافی نیست، وقتی کارفرمایان به خود واگذاشته می‌شوند، حجم اقتصادی را که به کار خواهند گرفت محدودتر از تعداد کل افرادی است که حاضر به قبول کار می‌باشند و در نتیجه بیکاری غیرارادی به طور دائمی وجود خواهد داشت.<sup>۲</sup>

بیکاری غیر ارادی و بروز می‌کند و نظر کینز به سبب عدم کفایت تقاضای کل در مقایسه با عرضه کل بروز می‌کند و زمانی که عرضه کار بیش از تقاضای آن می‌باشد، به سبب انعطاف ناپذیری دستمزدها در جهت کاهش بیکاری غیرارادی بروز می‌کند. بیکاری غیر ارادی در میان بخش قابل توجهی از نیروی کار بیانگر عدم توانایی نظام سرمایه‌داری برای بهره‌گیری از کلیه امکانات تولیدی می‌باشد. برطبق نظریات کینز و پیروانش کافی نبودن سرمایه‌گذاری و وجود دام نقدینگی می‌تواند مانع از وجود تعادل اشتغال کامل گردد. از این رو دخالت دولت در امور اقتصادی و اعمال سیاستهای مالی تنها وسیله عملی برای حرکت اقتصاد به سوی اشتغال کامل می‌باشد. کینز تلاش کرد تا این امر را به اثبات رساند که برای دولت‌ها گرفتن تصمیم‌هایی به منظور تقلیل بیکاری ممکن و ضروری است. با شروع جنگ دوم

جهانی همه کشورها در تورم قرار گرفته‌اند و نظریه کینز، که مبتنی بر افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری دولتی بود، دیگر مصداقی نداشت. زیرا اقتصادی که کینز بررسی کرده بود اقتصاد در حال رکود بود و در شرایط فزونی پس‌انداز نسبت به سرمایه‌گذاری بود. درحالی که بعد از جنگ دوم جهانی همه کشورها در معرض تورم از ناکفایتی پس‌انداز نسبت به سرمایه‌گذاری قرار گرفته‌اند.

### اشتغال در مکتب نئوکلاسیک

نئوکلاسیکها برخلاف کینزیها دخالت گسترده دولت در امور اقتصادی را عامل اختلال‌زا دانسته و بر مکانیزم خودکار ایجاد اشتغال کامل تأکید می‌ورزند. نئوکلاسیکها تقاضای نیروی کار را تابعی از ارزش تولید می‌کنند که تا زمانی که ارزش تولید نهایی کار از هزینه آن (دستمزد پرداختی) بیشتر باشد، تولید کنندگان کارگران بیشتری استخدام خواهند کرد. از

نظر نئوکلاسیکها بیکاری غیر ارادی در جامعه وجود ندارد. در مدل ایده‌آل نئوکلاسیک، کارگران دقیقاً به همان اندازه که مایلند در سطح دستمزد واقعی کار کنند، کار به دست می‌آورند و بنگاهها نیز به همان اندازه‌ای که نیروی کار استخدام می‌کنند مایلند در سطح دستمزدهای واقعی کارگران نقش داشته باشند. در دنیای نئوکلاسیکها همواره اشتغال کامل حکمفرما است. علی‌رغم آنکه پیروان نئوکلاسیک مدتهای مدیدی برای اثبات صحت نظرات خویش کوشیده‌اند، ولی تجارب عینی سبب گردید که تردیدهای بسیاری از سوی اقتصاد دانان مختلف درباره درستی فرضیات این مکتب ابراز گردد.

### نظریه‌های جدید در مورد مسأله اشتغال

سالهای دهه هشتاد تلاشهای تازه برای ارائه مبانی خرد در مورد مسأله اشتغال بود. تعریف بیکاری غیرارادی در این سلسله تحقیقات جدید جایگاه خاصی داشته است. در تئوریهایی اقتصادی معمولاً فرض می‌شود که فرد در تطابق با ترجیحات خویش، به طور ارادی عملی را انجام می‌دهد که با توجه به قیود موجود، بهترین عمل ممکن است. برخی از اقتصاددانان کلاً مفهوم بیکاری غیرارادی را به کناری می‌نهند. زیرا تعریف رفتار غیر ارادی، کار دشواری است.

در این دوره تئوری‌هایی نظیر «مزدکارایی» و «داخلی‌ها، خارجی‌ها» مطرح شد. در تئوری مزد کارایی دلیل اینکه کارگران با قبول دستمزدهای پایین هم نمی‌توانند کاری پیدا کنند. این است که این افراد نمی‌توانند با دستمزدهای کمتر از



زنان فارغ‌التحصیل به سبک و روند سالهای گذشته مایلند که در بخش دولتی استخدام و مشغول به کار شوند. به عبارت روشن‌تر از آنجا که کار در بخشهای تعاونی و خصوصی مستلزم داشتن سرمایه اولیه و با حداقل اطلاعات از بازار کار می‌باشد، لذا شناخت و گرایش به بخشهای مزبور محدودتر است.

۵- فارغ‌التحصیلان دانشگاهها بخش ویژه‌ای از نیروی کار هستند که از جمله ویژگی‌های آنها می‌توان به سن مناسب برای کار (۲۰ تا ۳۰ سال) برخورداری از دانش و آگاهی، شور و شوق پس از تحصیل برای خدمت به میهن، اشتیاق و تمایل به تشکیل زندگی و خانواده مستقل و نیاز به کار و درآمد و... اشاره نمود.

۶- به دلایل یاد شده نیروی کار مزبور اولاً طالب مشاغل متناسب با ویژگی‌های خود و با حقوق و شرایط مناسب هستند.

ثانیاً در صورتی که جستجوی کار و نیز عدم دسترسی به کار مناسب به طول انجامد، امکان اعتراض و عکس‌العمل به انحاء مختلف به بیکاری خود و یا در مواردی مهاجرت به کشورهای دیگر که از آن به عنوان فرار مغزها نام برده می‌شود، در مورد آنها محتمل می‌باشد. این در حالی است که در طی چند سال اخیر به طور متوسط حدود ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده است که با توجه به پیش‌بینی برنامه سوم توسعه مبنی بر ایجاد سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی این امر مشکل به نظر می‌رسد.<sup>۵</sup>

### نگاهی به وضعیت نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان

داده‌های به دست آمده از نتایج سرشماری‌ها حاکی از آن است که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. نتایج به دست آمده از آمارگیری و ویژگی‌های اشتغال و خانوار در سال ۱۳۷۸ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان به رقم نگران‌کننده ۱۵ درصد افزایش یافته است که بیشتر از نرخ بیکاری کل کشور می‌باشد.<sup>۶</sup>

نظر دارند که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملتها را تشکیل می‌دهند و یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی هر کشور محسوب می‌شوند.

تجارب دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم به وضوح نشان می‌دهد که سرمایه انسانی علت تفاوت میان کشورهای مختلف است. در این میان افزایش چشمگیر درآمد نفت اعضای اوپک طی دهه ۱۹۷۰ اگر چه سرمایه مالی فراوانی در اختیار این کشورها قرار داد اما سبب توسعه آنها نگردید. این تجربه ثابت می‌کند که فقدان سرمایه انسانی یا عدم استفاده کارآمد از آن سبب می‌شود که حتی وجود درآمدهای سرشار نفتی نیز به توسعه واقعی منجر نگردد. برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اشتغال، باید ویژگی‌ها و تحولات نیروی کار را بررسی کرد. بررسی تحولات سه دهه اخیر اشتغال در ایران، بیانگر تغییر ماهیت بازار نیروی کار کشور است. بررسی روند تحولات بازار کار ایران نشان می‌دهد نرخ فعالیت عمومی در ایران بسیار پایین است. این شاخص بویژه در دوران پس از انقلاب کاهش یافته و اقتصاد کشور را در وضع نامناسبی قرار داده است.<sup>۷</sup>

مروری بر وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهها مؤید این است که:

۱- حدود ۱۰ درصد کل دانشجویان کشور هر سال از دانشگاهها فارغ‌التحصیل می‌شوند

۲- از جامعه فارغ‌التحصیلان مرد دانشگاهها بخش بسیار کوچکی به ادامه تحصیلات عالی‌تر در داخل و خارج از کشور پرداخته و بخش دیگری برای طی خدمت سربازی اعزام می‌شوند و بخش باقی مانده آنها به عرصه نیروی کار می‌پیوندند.

۳- با توجه به اینکه در دو سال اخیر امکان خرید دوره سربازی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهها فراهم گشته بود از این طریق به نیروی کار فارغ‌التحصیلان با شتاب زمانی افزوده شده است.

۴- بخش قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و به خصوص

دستمزدهای رایج همان تلاشی را در کار از خود بروز دهند که کارگران شاغل از خود نشان می‌دهند. به همین سبب ممکن است عامل دستمزد نتواند تعادل را در بازار کار برقرار نماید و از این رو عرضه بر تقاضا فرونی می‌یابد و بیکاری غیر ارادی بروز می‌کند. بنابراین اگر دستمزد درخواستی کارگران بیکار بسیار پایین‌تر از بهره‌وری نهایی کار آنها هم باشد مشکل بیکاری حل نخواهد گردید.

برنری مدل «مزد کارایی» در آن است که این مدل بر تجارب روزمره استوار می‌باشد و منطقی است که فرض شود دستمزد ابزار انگیزشی برای ایجاد بهره‌وری در نیروی کار است. ولی نظریه دستمزد کارایی تاکنون نتوانسته است علت بیکاری بخش قابل توجهی از نیروی کار را تبیین نماید. محدودیتهای نظریه دستمزد کارایی سبب اهمیت یافتن تئوریهای دیگری چون تئوری «داخلی‌ها - خارجی‌ها» گردیده است. در حالی که تئوری دستمزد کارایی بر مبنای فرضیاتی چون تکنولوژی مشخص تولید و ساختار انگیزشی نیروی کار بنا شده و فرضیه تئوری «داخلی‌ها - خارجی‌ها» آن است که استخدام و اخراج کارگران همواره با هزینه‌های انتقال کارگران همراه است. این هزینه‌ها به کارگران شاغل (داخلی‌ها) این قدرت را می‌دهد که دستمزدهای خود را به حدی بالاتر از سطح دستمزد تعادلی افزایش دهند و کاهش دستمزد در خواستی کارگران بیکار (خارجی‌ها) سبب نمی‌شود که داخلی‌ها کار خود را از دست بدهند. در نتیجه بیکاری به صورت مازاد عرضه نیروی کار بروز خواهد کرد. در حال حاضر تئوریهای «دستمزد کارایی» و «داخلی‌ها - خارجی‌ها» از قابل قبول‌ترین تئوریها در رابطه با اشتغال می‌باشند و توضیح می‌دهند که چرا در زمان کاهش تقاضا برای نیروی کار، به جای آنکه دستمزدها کاهش یابند، برخی از کارگران اخراج می‌شوند.

بر اساس این تئوریها وجود بیکاری در نظام بازار اجتناب‌ناپذیر است و این نظریات قادر به ارائه راه‌حلهای اساسی جهت رفع مشکل بیکاری نیستند. امروزه بسیاری از اقتصاددانان در این مورد اتفاق

دانشجویان سطوح مختلف دانشگاههای دولتی<sup>۷</sup>

## کل

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۲۲۸۶۸۷	۲۸۶۶۹۳۶	۶۲۵۳۸۰
۱۳۷۸-۱۳۷۷	۲۶۷۶۵۰	۲۷۱۲۶۳	۶۳۸۹۱۳
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۲۹۹۳۳۳	۲۷۹۳۱۹	۶۷۸۶۵۲

## کاردانی - فوق دیپلم

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۳۱۷۰۸	۶۶۳۰۸	۹۸۰۱۶
۱۳۷۷-۱۳۷۸	۲۸۸۷۹	۷۳۰۵۵	۱۱۱۹۵۲
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۴۱۵۲۶	۷۸۸۲۵	۱۲۰۰۸۱

## کارشناسی - لیسانس

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۱۸۴۶۶۹	۲۶۴۳۰۸	۴۴۸۹۷۱
۱۳۷۸-۱۳۷۷	۲۰۵۴۳۰	۲۴۵۰۰۵	۴۵۰۴۳۵
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۲۳۳۷۵۷	۲۴۷۲۶۸	۴۸۱۰۲۵

## کارشناسی ارشد

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۵۳۲۰	۲۳۷۷۵	۲۹۰۹۵
۱۳۷۸-۱۳۷۷	۵۵۱۴	۲۲۵۴۲	۲۸۰۵۶
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۶۰۲۹	۲۴۰۶۴	۳۰۰۹۳

## دکترای حرفه‌ای

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۱۴۲۰۹	۲۵۸۸۳	۴۰۰۹۲
۱۳۷۸-۱۳۷۷	۱۵۴۸۲	۲۴۲۱۳	۳۹۶۹۵
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۱۵۶۱۸	۲۱۳۸۸	۳۶۹۰۶

## دکترای تخصصی

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع
۱۳۷۷-۱۳۷۶	۲۷۸۱	۶۷۴۵	۹۵۲۶
۱۳۷۸-۱۳۷۷	۲۳۲۷	۶۴۴۸	۸۷۷۵
۱۳۷۹-۱۳۷۸	۲۶۷۳	۷۸۷۴	۱۰۵۴۷

## وضعیت بیکاران بر حسب نوع رشته تحصیلی

همه ساله شمار قابل ملاحظه‌ای نیروی فعال و جوان از مؤسسات و مراکز آموزش عالی در رشته‌هایی که عملاً کاربرد چندانی در جامعه ندارند. فارغ‌التحصیل می‌شوند و به خیل جویندگان کار در جامعه افزوده می‌گردند. بر این اساس تعداد فارغ‌التحصیلان علوم انسانی از روند افزایش بیش از سایر

رشته‌های علوم تربیتی می‌باشد. همچنین داده‌های موجود حاکی از آن است که میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان در کلیه رشته‌های تحصیلی به استثنای رشته هنرهای زیبا افزایش قابل توجهی داشته است، به طوری که در اغلب رشته‌های تحصیلی طی سالهای مذکور نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان به دو برابر افزایش یافته است.

براساس آخرین آمارها که توسط مرکز آمار ایران اعلام شده است، ۸۵/۹۸ درصد جمعیت فعال اقتصادی شاغل و ۱۴/۰۲ درصد در کشور بیکار می‌باشند که این امر نشانگر نرخ بیکاری ۱۶ درصدی است. در حال حاضر با وجود جمعیت ۶۶ میلیونی در کشور و جوان خیز بودن آنها رقم یاد شده در مورد نرخ بیکاری چندان علمی به نظر نمی‌رسد، زیرا بسیاری از افراد به مشاغل کاذب پناذ برده‌اند یا در روستاها به صورت موقت شاغلند یا اینکه زودتر از موعد مقرر بازنشسته می‌شوند و در واقع اینها جزو آمار نیامده‌اند. علی‌الحد، اگر رقم فعال اقتصادی در کشور به طور متوسط ۲۵ تا ۲۶ میلیون نفر تلقی شود، تعداد بیکاران مطلق در کشور ۳/۵ میلیون تا ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. به علاوه نرخ رشد جمعیت براساس یافته‌های مرکز آمار ایران ۱/۶ درصد و کل جمعیت ۶۶ میلیون نفر است. بنابراین هر سال بالغ بر یک میلیون و صد هزار الی یک میلیون و دویست هزار نفر بر تعداد جمعیت کشور اضافه می‌شود که پس از گذشت چندین سال نیروی فعال در کشور به مرز ۴۰ تا ۴۵ درصد می‌رسد.<sup>۹</sup>

## بیکاری در برنامه سوم توسعه

براساس پیش‌بینی‌های برنامه سوم عرضه نیروی کار در سال ۱۳۷۸ از ۱۷/۹ میلیون نفر به ۲۱/۶ میلیون نفر در سال ۱۳۸۳ خواهد رسید و متقابلاً تقاضای نیروی کار از ۱۵/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۷۸ به ۱۸/۹ میلیون نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش خواهد یافت. در نتیجه با فرض آنکه در طول سالهای برنامه سوم توسعه سالانه ۷۶۵ هزار شغل جدید ایجاد شود، عدم تعادل بین عرضه و

رشته‌های تحصیلی برخوردار می‌باشد که این امر نشانگر ظرفیتهای آموزشی بالا یا تقاضای پایین برای به کارگیری فارغ‌التحصیلان رشته مذکور می‌باشد. در جدول زیر توزیع نسبت بیکاران بر حسب نوع تحصیلات طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۷۶ آمده است. به طوری که داده‌های جدول نشان می‌دهند بالاترین نرخ بیکاری مربوط به فارغ‌التحصیلان رشته کشاورزی و پایین‌ترین آن مربوط به فارغ‌التحصیلان



تقاضای نیروی کار باعث افزایش نرخ بیکاری به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ و ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ و به طور متوسط به ۱۵/۱ درصد در طول سالهای برنامه سوم توسعه افزایش خواهد یافت. تأمل در ارقام و روندهای فوق‌الذکر و تعمق در شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و مشکلات مبتلا به آن و در نظر گرفتن این که:

۱- نرخهای رشد پیش‌بینی شده برای سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص داخلی کشور در طی سالهای برنامه سوم توسعه خوش‌بینانه منظور شده‌اند.

۲- در طی چند سال اخیر سالانه به طور متوسط حدود ۳۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است و در نتیجه امکان تحقق سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی جدید مشکل به نظر می‌رسد.

۳- موج جمعیتی ناشی از رشد جمعیت ۳/۹ درصدی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ در سالهای برنامه سوم با روند بیشتری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها را به بازار کار روانه خواهد نمود.

۴- از سال ۱۳۷۵ به بعد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها در حال افزایش و تزايد است.

و نیز با توجه به تحولات بین‌المللی و داخلی، که هریک به نوعی بر اقتصاد کشور و از آن طریق بر اشتغال کشور تأثیرگذار می‌باشند، به نظر می‌رسد که احتمال دارد مشکل بیکاری برای بخش قابل توجهی از جمعیت فعال کشور و به خصوص برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهها با ضریب اهمیت خاصی که در مورد آنها وجود دارد در برنامه سوم توسعه و سالهای بعد از آن به میزان بیشتری مطرح گردد. برای احتراز و مقابله با وضعیت احتمالی (رشد بیکاری) ضروری است که کارشناسان و دولتمردان و سیاستگذاران کشور در کنار راهکارهای اندیشیده شده در قالب برنامه توسعه کشور، راهکارهای نوین، عملی و کاربردی و اثرگذار در شرایط موجود و محتمل ارائه نمایند تا مقابله با معضل بیکاری امکان‌پذیر گردد.<sup>۱۰</sup>

ریشه‌ها و علل بیکاری، مجموعه به هم

رشته تحصیلی	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
پزشکی	۶/۲	۸/۱	۱۰/۸	۹/۱
حقوق	۸	۱۱/۱	۱۳/۱	۱۵
علوم اجتماعی	۶/۲	۱۱	۱۱/۳	۱۲/۹
علوم انسانی	۶/۷	۹	۱۰/۵	۱۱/۱
علوم تربیتی	۱/۲	۱/۵	۲/۵	۳/۵
علوم طبیعی، ریاضی	۵/۷	۶/۴	۶/۷	۱۰/۱
کشاورزی	۱۴/۷	۱۶/۳	۲۳/۶	۱۸/۳
مهندسی	۷/۵	۸/۳	۱۰/۹	۱۰/۵
هنرهای زیبا	۸/۱	۶/۸	۲/۵	۴/۲

توزیع جمعیت بیکار با تحصیلات عالی در کل کشور بر حسب دوره‌های عمده رشته تحصیلی<sup>۸</sup>

رشته تحصیلی عمده	دکتر	فوق‌لیسانس	لیسانس	فوق‌دیپلم	جمع
تربیت معلم و علوم تربیتی	۳	۴۱	۹۴۱	۲۱۴۹	۳۱۳۴
هنرهای زیبا	۶	۱۸	۲۴۷	۱۲۲	۳۹۳
علوم انسانی	۲۶	۱۹۶	۶۲۲۱	۱۲۳۵	۷۶۷۸
مذهب و الهیات	۵	۵۳	۱۲۳۱	۳۶۷	۱۶۵۶
علوم اجتماعی و رفتاری	۵۵	۲۶۰	۳۷۶۴	۴۹۱	۴۵۷۰
بازرگانی و مدیریت تجاری	۱۳	۲۵۸	۴۲۰۳	۹۵۲	۵۴۳۳
حقوق و علوم قضائی	۳۱	۹۰	۱۶۰۱	۹۷	۱۸۱۹
علوم طبیعی	۴۴	۲۲۷	۳۶۲۸	۷۴۹	۴۶۵۸
علوم ریاضی و کامپیوتر	۱۶	۹۵	۱۴۴۵	۸۸۲	۲۴۲۸
بهداشت و علوم پزشکی	۱۳۶۸	۲۳۶	۳۶۶۳	۲۷۱۷	۷۸۰۱
حرفه و صنعت و فن	۰	۷	۱۲۳	۲۴۱	۳۷۱
مهندسی	۷۵	۵۴۲	۵۶۲۹	۴۵۷۹	۱۰۸۲۵

رشته تحصیلی عمده	دکتر	فوق‌لیسانس	لیسانس	فوق‌دیپلم	جمع
معماری و شهرسازی	۱۱	۱۱۲	۹۱	۱۰۲	۳۱۶
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۸۷	۱۹۱	۲۸۵۹	۱۰۵۴	۵۱۹۱
تدبیر منزل و خانه‌داری	۰	۱	۲۰	۳۵	۵۶
حمل و نقل و ارتباطات	۰	۶	۳۷	۱۵	۵۸
خدمات تجاری	۰	۰	۴	۶	۱۰
کتابداری و ارتباط جمعی	۱	۱۴	۱۲۱	۶۰	۱۹۶
سایر رشته‌ها	۱۳	۵۲	۴۷۳	۲۳۰	۷۶۸
رشته‌های نامشخص	۷۷	۲۵	۴۱۶	۲۵۵	۷۷۴
جمع کل	۱۸۴۹	۲۴۲۴	۳۷۵۳۲	۱۶۳۳۸	۵۸۱۴۵